

سدره طوبی (مبانی نظری پیشرفت در حوزه آمایش بنیادین)

طیبه محمودی محمدآبادی^۱، محمد حسین رامشت^۲

^۱ پژوهشگر پسادکتری دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی دانشگاه اصفهان

^۲ استاد جغرافیا دانشگاه اصفهان

نویسنده مسئول:

طیبه محمودی محمدآبادی

چکیده

آرمانگرایی در فضا، از آرمانشهر افلاطون و فارابی گرفته تا آرمانشهرهای عصر جدید (آتلانتیس) از جمله آرزومندی‌های دیرینه نخبگان بشری در دستیابی به ایده‌آل‌های زیستی بوده است، اگرچه بسیاری از فیلسوفان امروزی با چنین تفکری مراقبت چندانی ندارند با این وصف این تفکر از اهمیت معنی‌داری در زندگی بشری پرده بر می‌دارد. اگر بتوان ماهیت فرایند پیشرفت را نوعی آرمان‌استعلایی ترجمه نمود لاجرم این سوال نیز مطرح خواهد شد که پیشرفت یک جامعه مستلزم تلاش برای دست یافتن به چه اهدافی است. در ایران عصر جدید نیز، آرمانشهرهایی ارائه شده که غالباً با تمسک به دو اصل هویت ملی و نژاد آریایی و یا با نگاه به ساختارهای مفهوم توسعه بجای پیشرفت بوده است. اکنون پس از یک قرن تلاش و تجربه، روشنفکران ایران به این واقعیت معترفند که اجمالا جامعه ایران با جوامع دیگر متفاوت است و همین تفاوت می‌تواند سر منشاء تفاوت در طرح آرمان فضایی سرزمین آنها نیز باشد. سدره طوبی را می‌توان نظریه‌ای در حوزه پیشرفت تلقی کرد زیرا برای پرداختن به فرایند پیشرفت پیش از هر چیز محتاج داشتن نظریه‌ای در این زمینه خواهیم بود. این پژوهش که به اتکا روش پدیدارشناختی، تکیه بر تحلیل فلسفه زبان و تدقیق در مبانی معرفت‌شناسی اسلامی صورت گرفته نشان می‌دهد که:

* پیشران اصلی پیشرفت، دستیابی به دو مفهوم بنیادی **عدالت** و **راستی** در آرمانشهر "**سدره طوبی**" است.

* پیشران عدالت و راستی با قاعده مثلث پاسگال گسترش و با اصول سیستم‌های پویا (SD) با پسخوراندی منفی، منجر به تقویت، پایداری و سین‌انرژی^۲ نظام آرمانی ملی می‌شود.

واژگان کلیدی: توسعه، پیشرفت، آرمانشهر، تمدن، پدیدارشناسی، تحلیل فلسفه زبان، عدالت، راستی.

¹. Dynamic system

². Synergy

زمانی که دو یا چند عنصر، جریان یا عامل با هم، تعامل داشته باشند معمولاً اثری بوجود می‌آید که اگر این اثر از مجموع اثرهایی که هر کدام از آن عناصر جداگانه می‌توانستند بوجود آورند بیشتر شود، در اینصورت پدیده‌ای هم‌افزایی یا سین‌انرژی رخ داده است.

طرح موضوع:

آمایش سرزمین را میتوان ترجمه مفهوم آرمانشهر فلاسفه دانست با این تفاوت که فلاسفه بیشتر به ایجاد ارزش‌های معنایی و تحول در مدیریت اذهان متکی هستند و حال آنکه آمایش گران در پرتو یک اندیشه نظری در پی ایجاد ساختارها و سازمان‌های اجتماعی برای تحقق مفاهیمی در مکانی معین در بازه‌ای از زمانند. در بستر فکری برنامه‌ریزان دهه‌های نود جنبه‌های صوری و کالبدی سرزمین بیشتر مشهود است بطوریکه محور اصلی این ایده‌ها دستیابی به آنچه بهره‌مندی از مواهب زیستن و ثروت ملی نام گرفته متمرکز است.

نکته درخور توجه دیگر انگاشته‌های آمایشگران دهه‌های ۹۰ در مورد آمایش سرزمین تصویری بود که در مورد دانش آمایش داشتند. آنها اصول کلی را تعریف و بدون در نظر گرفتن هویت مکانی، اجتماعی و فرهنگی ملل داشتن هر نظریه‌ای را در تحول و آمایش سرزمین بی معنی و غیرضروری می‌دانستند و بسیاری از دلایل آنها مبنی بر دست نیافتنی بودن آرمانگرایی بیشتر متأثر از تصور آنها از مفهوم توسعه و موفقیت ظاهری آنها در پاره‌ای از نقاط جهان بود. همان شیوه و الگویی که در غرب تجربه شده بود.

تحولات علمی بویژه در حوزه پدیدارشناسی و طرح تاویل‌پذیری و هویت مکانی و فرهنگی و نقش عمده این عوامل در پیشران‌های پیشرفت هر جامعه، غیرمنطقی بودن تصور آنها را برملا کرد و چنین بی اعتباری را باید بیشتر مدیون دانشمندانی چون هایدگر ([ضیا شهابی، ۱۳۹۲]).

ژانت ([نامور مطلق ۱۳۸۶]) و تعدادی از اندیشمندان دیگر حوزه زبان شناسی چون ویتگنشتاین ([فاطمی، ۱۳۹۳]) دانست. اکنون بر همه محققان دانش اجتماعی و علوم مربوط به آمایش سرزمین مسلح است که داشتن نظریه‌ای برای تدوین الگویی در پیشرفت ضروری‌ترین امر لازم برای تدوین و طراحی آرمانشهر یا ترسیم آینده هر سرزمینی است. اگرچه بسیاری بر تاویل پذیر بودن این آینده بواسطه تغییرات پیشرونده دانش بشری در بازه‌های زمانی طولانی اصرار می‌ورزند و آن را از ویژگی‌های خاص آرمانشهرهای عصر و زمانه ما معرفی می‌کنند.

بطور کلی آرمانشهر، اوتوپیا یا مدینه فاضله از جمله مفاهیمی است که سال‌ها ذهن اندیشمندان و فلاسفه را در مشرق زمین و غرب بخود مشغول داشته و از مهمترین آنها میتوان از افلاطون در کتاب جمهوریت ([لطفی، ۱۳۵۷])، اگوستین در اثر معروفش شهر خدا با تاکید بر فراغت انسان از هر دو جهان ([کلارک، ۱۳۷۹])، توماس مور در کتاب یوتوپیا با تاکید بر روی ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی شهر ([آشوری، ۱۳۷۳])، فرانسیس بیکن در کتاب آتلانتیس بر پایه‌ی عقلانیت و از طریق دستیابی و استیلا بر قوانین طبیعت ([بیکن، ۱۶۲۵])، توماسو کامپانلا (۱۹۷۲) در کتاب شهر آفتاب با تاکید بر ویژگیهای مادی و فضایی ([عبدالرحمن، ۱۳۸۱])، جیمز هرینگتون در کتاب شهر زرین یا اوسه آتیا با روی آوری به اعتدال و دموکراسی ([۱۹۸۸]) تا کارل مارکس ([آدواردج، ۱۳۸۱]) با به کار بردن واژه کمونیسم و لغو مالکیت خصوصی و ازفاریابی در کتاب اندیشه‌ی اهل مدینه‌ی فاضله ([سجادی، ۱۳۶۱]) برمبنای پرداختن به امور معنوی و عدالت خواهی، ابن سینا در اثر الهیات شفا، مدینه‌ی عادلّه (دادشهر) را با تاکید بر دو اصل انسان به مثابه موجودی مدنی و نیز امور معنوی ([فکوهی، ۱۳۸۸])، ابن خلدون در مقدمه‌ی پرآوازه‌ی خویش ([۱۳۵۳]) با اهمیت دادن به مساله اجتماعی شدن، حسین کاظم زاده معروف به ایرانشهر (۱۳۲۹) با تمسک به دو اصل هویت ملی و نژاد آریایی جامعه‌ی آرمانی را معرفی می‌کنند، همچنین ناکجاآباد سهرودی ([۱۳۸۰])، کوه قاف و سیمرغ عطار ([۱۳۷۷])، بی نام شهر آریان پور ([۱۳۵۴]) هیچستان سهراب سپهری ([سپهری، ۱۳۸۲، ۳۶]) نام برد.

بحث اصلی :

بررسی نقدها بر آرمانشهرهای طرح شده در ادوار مختلف نشان از آن دارد که الگوهای آرمانی همگی بر پایه یک نظریه^۱ استوار بوده و بر اساس چنین دیدگاهی آرمانشهر طراحی و تجلی ذهنی پیدا می‌کرده است. به عبارت دیگر دنبال کردن آرمان بدون برخورداری از یک نظریه بنیادی متصور نخواهد بود. دانش آینده‌نگاری و آینده‌پژوهی در عصر ما افق جدیدی از آرمانگرایی را در دو سطح مختلف مطرح می‌کند.

سطح اول بیشتر معطوف به امواجی است که در جوامع بصورت کنترل نشده ایجاد می‌شود و اعتقاد بر آن است که هر موجی که رخ دهد می‌تواند فرصتی تلقی شود و در واقع با تسلط بر امواج بوجود آمده که در رخ دادن آن نقشی نداشته‌ایم اهداف و آرمان‌های خود را جستجو کنیم بدون آنکه در ابتدا ارمانی تعریف شده را بیان کرده باشیم. لذا بهره‌مندی از این فرصت بدست آمده خود آرمانی است که بدون آنکه انتظاری در ایجاد آن داشته باشیم بدان دست یافته‌ایم.

1. viewpoint

سطح دوم بر این باور است که با شناخت و رصد مستمر وقوع اتفاقات میتوان تاثیر خاصی بر رخدادها اعمال و مسیر حرکت را به نفع آرزومندیهای مقطعی خود تغییر داد.

بسیاری از فلاسفه و محققان بر این باورند که آرمانگرایی خود نوعی تغییر است و ناپایداری جزء سرشت آن محسوب می‌شود، لذا برای آنکه بتوان آرمانشهر را از دستبرد زمان و مکان محافظت نمود در ابتدا باید معلوم داشت که چه چیزهایی در بستر زمان و مکان تغییرپذیرند و چه عواملی فارغ از زمان و مکان عمل می‌کنند و سپس آرمانشهر را برپایه‌ای استوار کرد که از دستخوش تغییرات زمانی و مکانی مصون بماند. این امر به دو ویژگی بنیادی آرمانشهری بستگی خواهد داشت. اول آنکه اصول آرمانی از مفاهیمی انتخاب شوند که از قید تغییرات زمان و مکان رها باشند و دوم آنکه مفاهیمی انتخاب شده تاویل پذیر باشند زیرا برخورداری از یک تعریف تاویل پذیر بر قدرت جاودانگی آن خواهد افزود و اجازه خواهد داد تا به تناسب زمان و مکان قابلیت بازتعریف و دستیابی را داشته باشد.

این ویژگی‌ها را میتوان در مدائن فاضله دانشمندان ایرانی تا حدود زیادی شاهد بود و دلیل آنکه متن ادبی حافظ و امثالهم در طول زمان کهنه نمی‌شوند بیشتر تبعیت از چنین اصولی بوده است.

سدره طوبی که خود از واژه‌های قرآنی برگرفته شده است، برای تبیین نظریه پیشرفت در الگوی اسلامی ایران انتخاب و معطوف به دو مفهوم بنیادی در سند الگوی پایه^۱ و آیه ۱۱۵ سوره شریف انعام است. این انتخاب از بررسی ۶۲۱۹ آیه در قرآن مجید صورت گرفت زیرا که در این کتاب آسمانی بیش از ۲۱ آیه^۲ به چشم‌اندازی از آینده با متنی تصویری از یک مکان آرمانی یاد شده است. این بدان معنی است که آرمانشهرها در قرآن حتی با تصویری از مکان بیان شده و در سوره انعام^۳ آیه ۱۱۵ بصراحت استعلاجی را در دو اصل پیشران عدالت و راستی خلاصه می‌کند و **پیشرفت** را بر اساس این دو مفهوم، قانون لایتغیر الهی معرفی می‌کند^۴. به تعبیری دیگر پیشرفت در گرو تحقق دو ارزش لاتغیر عدل و صدق است و لذا در اینجا سعی شده "سدره طوبی" به عنوان نظریه پیشرفت در حوزه آمایش بنیادین مطرح و نسبت به تبیین ویژگی‌های آن مبادرت شود.

بنیان‌های نظریه سدره طوبی

ویژگی‌های نظریه سدره طوبی را میتوان در موارد ذیل خلاصه نمود:

- ۱- اولین ویژگی مفهومی سدره طوبی القای فضایی آرمانی است که از ترکیب دو عنصر حیات‌مند و حیاتبخش گیاهی بوجود آمده است. واژه سدره در قرآن در آیه ۱۴ و ۱۵ سوره نجم^۵ به کار رفته و واژه طوبی، تنها یکبار در آیه ۲۹ سوره رعد آمده است^۶؛ همانگونه که از مضمون این آیات بر می‌آید قرآن آرمانشهری با ویژگی‌های خاص را برای شهروندان آن ترسیم می‌کند از این رو، درخت طوبی، در تفاسیر تجلی پاداش عمل مشترک همه بهشتیان است. میوه‌های درخت طوبی، خوردنی، پوشیدنی (لامقطوعه و لا ممنوعه) و تزیینی است. ریشه آن از «صفوان» و از چشمه تسنیم (خوش‌گوارترین چشمه بهشتی) سیراب می‌شود. و خنکی این درخت، خنکی کافور و طعم آن زنجبیل و سایه‌اش ممدود است.
- ۲- دومین ویژگی سدره طوبی تاویل پذیری آنست بطوریکه چه در متون دینی و چه در متون اجتماعی عصر جدید و چه در اساطیر تاریخی و هنردارای مفاهیم متفاوت ولی عمیق و استعلائی است. برای مثال در ادبیات اجتماعی از آن به آزادی و امنیت تعبیر شده و از منظر نمادشناسی می‌توان گفت درخت سدره نماد آزادی و درخت طوبی نماد امنیت و آرامش است. در متون دینی درخت طوبی و سدره المنتهی که خدای

^۱. در سند الگوی پایه مرکز، پیشرفت رشد و تعالی انسان در مسیر خلیفه الهی تعریف شده است.

^۲. سوره‌های نجم(آیه ۷)، تکویر(آیه ۲۳)، آل عمران(آیه ۱۷۴ و ۱۶۲)، حدید(آیه ۲۷، ۲۰)، توبه(آیه ۱۰۹، ۷۲، ۲۱)، محمد(آیه ۲۸)، مائده(آیه ۱۶، ۱)،

فتح(آیه ۲۹)، حشر(آیه ۸)، سجد(آیه ۱۹)، نجم(آیه ۷۵)، نازعات(آیه ۳۹، ۴۱)، قمر(آیه ۵۵، ۵۴)

^۳. وَتَمَّتْ کَلِمَتُ رَبِّکَ صِدْقًا وَعَدْلًا ۚ لَا مُبَدِّلَ لَکَلِمَاتِهِ ۚ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ

^۴. در متون اسلامی بعضاً این دو مفهوم به وجود حضرت امیر(عدالت) و حضرت زهرا (راستی) تعبیر شده و از همین رو ایشان را صدیقه کبری نیز نام نهاده‌اند.

^۵ - «عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهٰی * عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوٰی « سدره المنتهی، بهشتی که مسکن متقیان همانجاست».

^۶ - «الَّذِیْنَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبٰی لَهُمْ وَحَسُنَ مَاۤیَ» آنان که به خدا ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، طوبی (پاکیزه‌ترین زندگی) و بهترین سرانجام نصیبشان است؛

بخشاینده نهالش را نشانده، همان دوستی و ولایت امیر مؤمنان و خاندان او علیهم السلام است که مدار و قلب تمام خوبی‌ها و شایستگی‌ها است. محبت و دلباختگی آخرین و کامل‌ترین نهال هستی، حضرت حجت علیه السلام است که حضرت حق، در دل‌های پاک اهل ایمان کشت تا با صدق ایده‌ها و برترین کردارها (عمل صالح) آبیاری گردد. در پاره‌ای از متون توصیف سدره طوبی به چهار صفت، سایه، ثمره، رایحه و زیبایی که از ویژگی معماری فضای باغ‌های ایرانی است نیز متصف شده است. در حوزه هنر معماری ایرانی هانری استیرلن با اشاره به دو گنبد شاخص مسجد جامع عباسی و مدرسه سلطانی اصفهان، آنها را نمادی از درخت طوبی می‌داند که در خط آسمان باغ‌شهر صفوی به نمایش در آمده‌اند. در هنر طراحی فرش ایران نیز، سدره طوبی در قالب درخت حیات با ویژگی‌های مکانی متعدد از جمله تصاویر جذاب بشمار می‌آید شکل (۱).



شکل (۱) درخت حیات در نقوش فرش ایران الهام گرفته از سدره طوبی

در ادبیات آیینی ایرانیان در سوگداشت واقعه کربلا^۱ این دو واژه بار مفهومی همه درستی و وفاداری را بدوش می‌کشد و در ادبیات دینی قبل از اسلام سدره طوبی پیراهن سپیدیست که انبان و گنجینه پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک شمرده می‌شود (خرده اوستا، ۱۳۵۴ ص ۶۰). این تاویل‌ها در حوزه فلسفه بویژه در آثار سهروردی در آواز پر جبریل، عقل سرخ و حکایت ارغوانی در عناصری چون کوه قاف، درخت طوبی و سیمرغ خلاصه می‌شود (سهروردی، ۱۳۸۳، ص ۸).

۳- ویژگی سوم سدره طوبی در پشتیبانی مفهومی از واژه پیشرفت است. واژه پیشرفت در مرکز الگو دارای بار معنایی خاصی است و دقیقاً در برابر واژه توسعه بکار گرفته شده است. این واژه تبیین فکری خاصی با ادبیات متداول در غرب دارد که بیشتر متکی به گسترش صوری و کالبدی جامعه است. پیشرفت در سدره طوبی براساس آموزه‌های قرآنی بر دو پیشران اصلی یعنی عدل و صدق استوار شده که در آیه ۱۵ سوره انعام قرآن مجید آن دو نماد به دو ارزش مصداق پذیر تعبیر شده است. به عبارت دیگر شهر آرمانی الگو تنها بر دو پایه استوار است و تمامی تلاش بعدی برای ایجاد سازمندی‌هایی خواهد بود که این دو اصل تحقق یابد.

۴- براساس بررسی‌های انجام شده بویژه از متن آیات الهی در قرآن، عدل و صدق دو مفهوم ارزشی است که ضمن شناور بودن مفهوم آن در حوزه‌های مختلف دارای سه ویژگی عمده است.

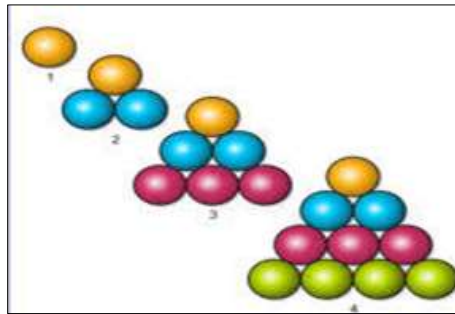
الف: از قید تغییرات زمانی و مکانی آزاد است.

ب: ساختار اثرگذاری آن زایشی هرمی است.

ج: تحقق آن دارای پس‌خوراندی منفی و سبب پایداری سیستم می‌شود.

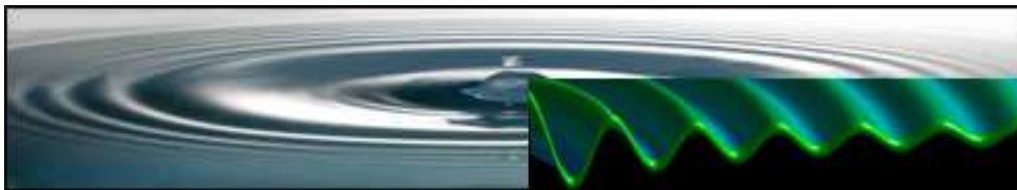
^۱. سدره و طوبی به دامن زمین افتاده بود یا زپیکر آن دو دست نازنین افتاده بود (سازگار)

د: در شبکه ای از واژه‌های بکاربرده شده در دستگاه فرهنگی جوامع معنا پیدا می‌کند. دو اصل عدالت و راستی پیشران‌های ارزشی ثابتی هستند که توسط متغیرهای چندی تعریف پذیرند و برحسب آنکه در کدام context زمانی و مکانی و یا قلمرو موضوعی قرار گیرند، پارامترهای تعریف کننده آنها تغییرپذیرند. اما نکته درخور تامل در آنها ساختار و الگوی تاثیرگذاری آنها بر محیط و ایجاد مفاهیم دیگر در جامعه است. عدل و راستی از آن جهت پیشران تلقی می‌شوند که وقوع آنها نه بصورت خطی و یا نمایی که با منطق مثلث پاسگال و هرمی به زایش مفاهیم دیگر منجر می‌شود و افزایش دریک بعد، سطح تحت تاثیرش بصورت غیر حسابی گسترش و زاینده است^۱ (شکل ۲).



شکل (۲) نحوه زایش مفاهیم جدید بدنبال تحقق عدالت در حوزه های مختلف

دستیابی به عدالت براساس نظریه پخش هاگستراند به مثابه یک موج در سیالی خاص منتشر نمی‌شود و مکانیسم آن بیشتر به مثابه سیستم‌های پویا (Dynamic System) عمل می‌نماید. در مدل هاگستراند موج بعد از طی مسافتی مستهلک و ضعیف می‌شود شکل (۳).



شکل (۳) نحوه گسترش و پخش یک پدیده در فضا بر اساس نظریه پخش هاگستراند سوئدی

همانگونه که در شکل (۳) دید می‌شود امواج با دور شدن از محل انتشار تحلیل رفته و بعد طی مسافتی مستهلک می‌شوند، حال آنکه در سیستم‌های زایشی با بازخورد دینامیک گسترش و زایش مفاهیم دیگری در قبال هریک از پیشران‌ها بوقوع پیوسته و با توجه به آن‌تروپی منفی آن، سبب تقویت سیستم را فراهم می‌آورد بطوریکه مفهوم عدالت خود زمینه‌ساز شکل‌گیری مفاهیم دیگری چون، امنیت، هدایت (تحریک اشتیاق اعضا بسمت و سوی هنجارها)، رفتار پهنج‌اجتماعی، رضایت مندی و... می‌شود.

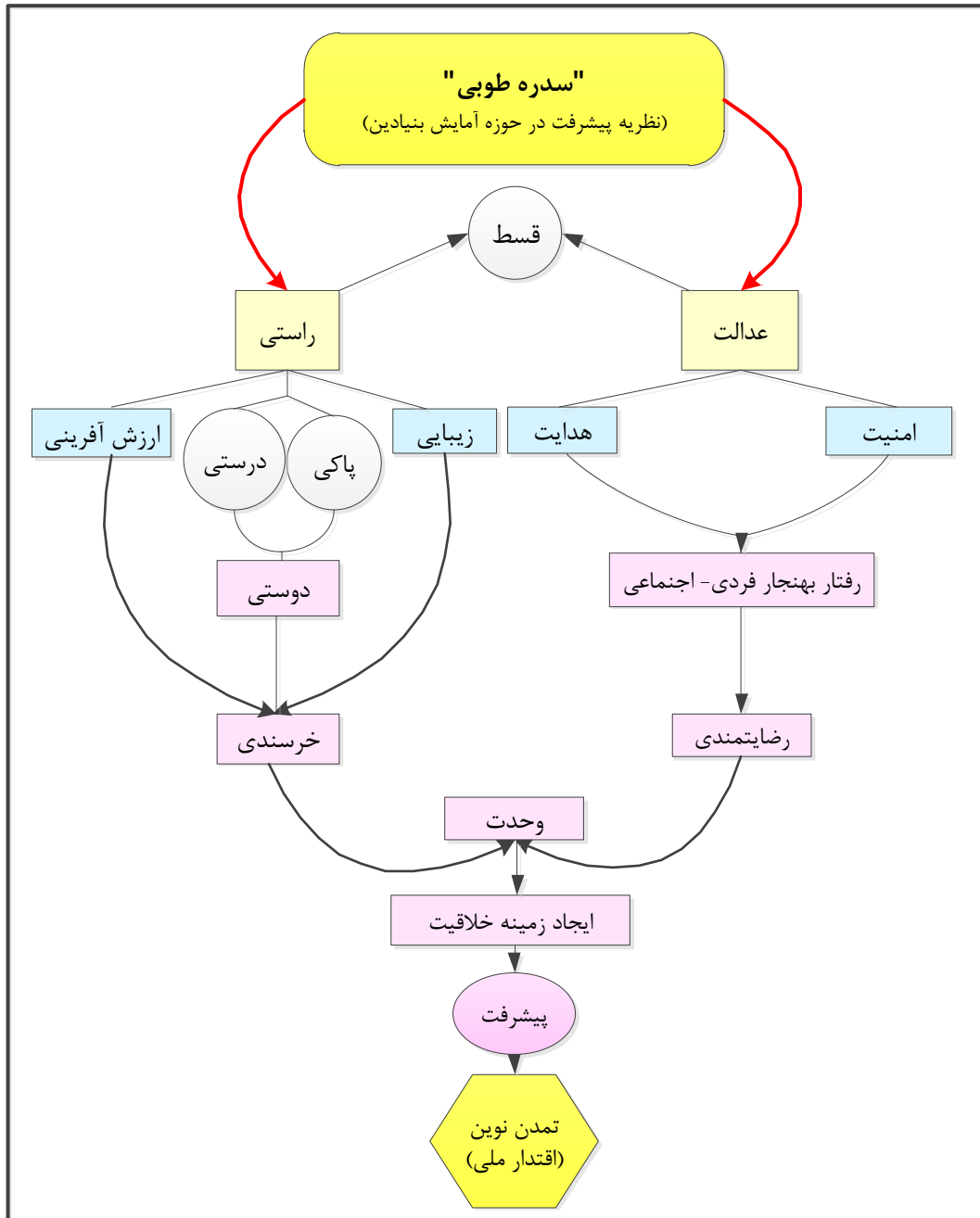
از سوی دیگر مفهوم عدالت و راستی شبکه ای از واژه‌ها را در فرهنگ‌های مختلف بوجود می‌آورند که تعریف معنایی آنها در شناخت این مجموعه از الفاظ درک شدنی است و نمیتوان برای تعریف آن گزاره ای صلب و ثابتی را تدوین کرد. برای مثال عدل، عدلیه، داد، دادگستر، دادرس، دادخواه، دادخواهی، و ده‌ها تمثیل و کنایه دیگر، شبکه ای از الفاظ را بوجود می‌آورند که در دستگاه‌های فرهنگی و زبانی متعدد ممکن است تفاوت داشته

^۱. این مدل گویای رمز بسیاری از اعداد مقدسه در قرآن و احادیث است چنانکه یک صدقه، هفتاد نوع بلا را رفع می‌کند و یا یک رکعت نماز در مسجدالحرام برابر با صد هزار رکعت نماز معمولی است و یا ۲۰ تن از مومنین برابر با ۲۰۰ تن از کفار قلمداد شده‌اند. این اعداد گویای ارزشهایی است که دستیابی به آنها چنین اعداد زایشی را سبب می‌گردند.

باشد و همین تفاوت‌هاست که درک معنایی از واژه عدل نزد آن فرهنگ و زبان تعریف می‌شود. این مفاهیم همگی دال بر آنست که همانگونه که قرآن مطرح می‌سازد عدالت و راستی هر دو نور است و طیفی از انوار را شامل و نور هادی و درستی را نمایان گر است. همین مکانیسم مفهوم‌سازی در راستی (صدق) نیز تجلی می‌یابد و مفاهیمی چون زیبایی، پاکی، درستی، دوستی و خرسندی در شبکه‌ای از واژه‌ها آنرا معنی کرده و نتیجه عملی دستیابی به مفهوم راستی را شکل می‌دهد. بدیهی است که ترکیب این دو معنی با یکدیگر شرایط رشد و خلاقیت جامعه را فراهم و در انتها به پیشرفت و اقتدار جامعه منتهی می‌گردد شکل (۴).

نکته در خور توجه دیگر در این مکانیسم آنست که پایداری و استمرار سدره طوبی بنا به تاویلی در چهارچوب خاصی امکان پذیر است که به فراورش مدنی و شکل‌گیری تمدن نسبت داده می‌شود. فراورش مدنی یک خصیصه جامعه‌شناسی است و آن اینکه اگر جامعه‌ای قادر به تشخیص و تعریف مسائل خود باشد و برای حل آنها، خود قادر به تدبیر آن باشد، آن جامعه به حوزه تمدنی ورود پیدا کرده است. البته بدیهی است که هر تمدنی برشالوده دستگاه معرفتی خاصی بنیان نهاده می‌شود و نحوه پرداختن به مسئله و روش حل آنها براساس آن صورت می‌گیرد. نکته بسیار مهم در شناخت مصادیق عدالت و راستی موضوع دانش و خرد و عقلانیت است. به تعبیر دیگر بدون دانش نمیتوان عدالت را باز شناخت و از غیر آن ممیز نمود و همین عامل منشا اصلی در معناداری راستی و مصادیق آنست^۱. بعبارت دیگر قسط که حاصل همپایی دستیابی به عدالت و صدق است بدون داشتن دانش امکان پذیر نبوده و عقلانیت و خرد روح حاکم بر فهم دانش و حکمتی است که مارا قادر می‌سازد به اقتدار در یک جامعه دستیابی پیدا کنیم.

^۱. سر راستی، دانش ایزدیت (فردوسی).



شکل (۴) الگوریتم نحوه زایش و ترکیب مفاهیم در سدره طوبی

نتیجه گیری:

بدون داشتن چهارچوبی نظری مبتنی بر بنیان‌های معرفتی برگزیده شده توسط یک جامعه، نمیتوان انتظار داشت که آن جامعه بتواند به پیشرفت دلخواه خود نائل شود. حتی این اصل در مورد جوامعی که کمتر به آرمانگرایی معتقدند نیز دیده می‌شود و تحولات فکری در اروپا دال بر این مدعاست. آنچه از آیات قرآنی میتوان استنتاج نمود آنست که **پیشرفت** یک امر استعلایی و متکی به دو اصل پیشران است و در دو واژه "**عدالت**" و "**راستی**" خلاصه شده است. پیشران‌های پیشرفت قدرت زایش مفاهیمی دیگری را براساس قاعده مثلث پاسگال و درهم تنیدگی پیچیده‌ای بر اساس سیستم‌های پویا داشته و از نظر مفهومی در حوزه‌ها و قلمروهای گوناگون دارای مصادیق متعدده‌ایست. و در این رهگذر تحلیل فلسفی زبان و پدیدارشناسی هایدگری میتواند راهگشای باشد. در حوزه آمایش، **عدالت** در تعادل فضایی و **راستی**، در برسمیت شناختن سازمندیهای اجتماعی و ارتباط فضایی آنها تاویل پذیر است و دستیابی به این مصادیق جز با دانش و معرفت علمی میسر نیست. در این رهگذر آنچه در نقشه راه برای تحقق این دواصل اهمیت خواهد یافت تلاش و مجاهدت علمی برای باز شناخت این دو مفهوم انسانی در قلمرو آمایش سرزمینی است که برعهده محققان متعهد به دادشهر خدایی هستند.

منابع

- آریان‌پور، امیرحسین، ۱۳۵۴، جامعه‌شناسی هنر، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران.
- افلاطون، جمهوری، ترجمه‌ی محمدحسن لطفی، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۷، چاپ اول.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۵۳، مقدمه، ترجمه محمد پرین گنابادی، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- آدی آلبرت (۱۳۶۸) سیر فلسفه در اروپا؛ مترجم: علی اصغر حلبی، تهران، انتشارات زوار.
- سپهری، سهراب، ۱۳۸۲، هشت کتاب، چاپ سی و هشتم، تهران، طهوری.
- سهروردی، شهاب‌الدین، ۱۳۸۳، آواز پر جبرئیل، تصحیح تحشیه و مقدمه، سید حسن نصر، مقدمه و تحلیل فرانسوی هانری کربن، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- جهانگیری، محسن، احوال و آثار و آراء فرانسیس بیکن، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶، ص ۶.
- جیلین، کلارک، (۱۳۷۹) اعترافات آگوستین؛ مترجم: رضا علیزاده، تهران، نشر مرکز.
- زرتشت، خرده اوستا، ترجمه اردشیر آذرگشنسپ، نشر راستی نو، چاپ سوم.
- عالم، عبدالرحمن؛ تاریخ فلسفه‌ی سیاسی غرب عصر جدید و سده‌ی نوزدهم، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۸۱، چاپ پنجم، صص ۶۸-۶۷.
- فارابی، ابونصر، ۱۳۶۱، اندیشه‌های اهل مدینه‌ی فاضله، ترجمه‌ی سید جعفر سجادی، تهران، طهوری.
- فکوهی، ناصر. "انسان‌شناسی شهری، تهران، نشر نی، ۱۳۸۸.
- کلینی، محمد، کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، هش، جلد چهارم، ص ۵، ح ۲.
- گرب، ادواردج، نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه پردازان کلاسیک و معاصر، ترجمه‌ی محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی زاده، تهران، نشر معاصر، ۱۳۸۱.
- مور، تامس، آرمانشهر (یوتوپیا)، داریوش آشوری و نادر افشار نادری، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۳.
- نیشابوری، عطار، منطق‌الطیر، براساس نسخه پاریس، تصحیح و شرح: دکتر کاظم دزفولیان، انتشارات طلایه، تهران ۱۳۸۱.
- نامور مطلق، بهمن، "ترامنتیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها"، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۶، صص ۸۳-۹۸، ۱۳۸۶.
- ویتگنشتاین، لودویگ، پژوهشهای فلسفی، ترجمه فریدون فاطمی، مرکز ناشر، ۱۳۹۳.
- هایدگر، مارتین، مسائل اساسی پدیدارشناسی، ترجمه پرویز ضیا شهابی، انتشارات مینوی خرد، تهران، ۱۳۹۲.

Arrian, (1949) History Indica (d.180A.D) ,Book VII, ch.37, in E.I, Robson, trans., Arrian: History of Alexander and India, London, W. Hrinman, Loeb Classical Library, Vol.II.

Bacon, F. (1625). Essays. In: Mantagu, Basil. (Ed). The Works of Francis Bacon. Vol. 1. Philadelphia: Parry & McMillan, 1859. 11-60.

Gillbert, R. (1949). The Concept of mind, Routledge.

Harrington, J., (1988), Oseana, in, Ideal Communities, London, Dedalus Ltd. Assoun